



بیانات در دیدار کارکنان و خانواده‌های ناوگروه ۸۶ نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران - 15 مرداد/ 1402

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الطيبين الطاهرين المعصومين سيما بقیة الله فى الارضين.

خوشامد عرض میکنم به یکایک شما عزیزان ؛ برادران عزیز، خواهران عزیز، فرزندان مایه‌ی افتخار ملت ایران ؛ ان شاء الله که همه موفق و مؤید باشید.

هدف از این جلسه تشکر و تقدیر است ؛ صمیمانه از یکایک شما تشکر میکنم ؛ هم از مجموعه‌ی ناوگروه ۸۶ که مأموریت بزرگی را انجام دادند و پیرامون کره‌ی زمین را با موفقیت گردش کردند، (۲) کاری که در طول تاریخ دریانوردی کشورمان اتفاق نیفتاده بود ؛ همچنین تشکر میکنم از خانواده‌های شما که درباره‌ی خانواده‌ها بعد یک کلمه‌ای عرض خواهم کرد ؛ همچنین از فرمانده محترم نیروی دریایی ؛ همچنین از قرارگاه راهبردی‌ای که در ارتش تشکیل شد، [یعنی] قرارگاه راهبردی ذوالفقار که به طور مستمر با ناوگروه در ارتباط بودند که بنده چند بار استفسار کردم، دیدم کاملاً مطلعند از خصوصیات ناوگروه. همچنین تشکر میکنم از دستگاه‌هایی که پشتیبانی کردند - چه دستگاه‌های فتی، چه ستاد یا قرارگاه اقلیم‌شناسی و امثال اینها - که این کار بزرگ با شراکت مجموعه‌ای از افراد انجام بگیرد و شما کارکنان و اعضای ناوگروه ۸۶ بتوانید این موفقیت را، این عملیات بزرگ را با افتخار ان شاء الله به انجام برسانید که رساندید.

من به همین مناسبت لازم میدانم یادی کنم از شهیدان نیروی دریایی، شهیدان ناوچه‌ی پیکان (۳) که آنها هم جوانهایی بودند و مردان باگذشتی بودند [و نیز] شهدای ارتش سرافراز جمهوری اسلامی ؛ همه‌ی ما مدیون آنها و خانواده‌هایشان هستیم. عزیزان من، اقدامهای گذشتگان شما در دوران حوادث مهم انقلاب تا امروز، زمینه‌ی موفقیت امروز شما است ؛ باید قدردان آنها باشید. ارتش و سپاه در دریا فداکاری‌های زیادی کردند و این فداکاری‌ها به ثمر نشست ؛ شما گل دمیده‌ی از گیاه سرسبزی هستید که آنها به وجود آوردند، میوه‌ی شیرین از درختی هستید که آنها نشانند. امروز، ما در نقطه‌ی افتخارآمیزی ایستاده‌ایم که اگرچه فرمانده محترم نیرو و فرمانده محترم ناوگروه بیانات خوبی را بیان کردند، در تلویزیون هم تا حدودی مطالبی گفته شد، اما نه، ماجرای حرکت شما این جوری تمام نمیشود ؛ شرح و تفصیل بیشتر و داستان مفصل‌تری دارد که باید تبیین بشود، باید بیان بشود. این نقطه، نقطه‌ی افتخارآمیزی است ؛ این نقطه را ما به برکت تلاشها و مجاهدتهای قبلی داریم.

خب، کار بزرگی که ناوگروه ۸۶ انجام دادند، یک افتخاری است که برای اولین بار در تاریخ دریانوردی کشور ما اتفاق افتاده. حالا [اگر] این سالهای نکبت بار حاکمیت پهلوی‌ها و قاجاری‌ها را کنار بگذاریم، قبلش ما دریانوردی داشته‌ایم، بد هم نبوده، لکن آن چیزی که قبلاً داشتیم با این کاری که شما کردید فاصله‌اش خیلی زیاد است ؛ این یک افتخار بزرگی بود که ناوگروه شما ایجاد کردند ؛ یک مجموعه‌ی سیصدوپنجاه‌نفری، با یک فرمانده مجرب و کاردان، بتوانند



۶۵ هزار کیلومتر را طی کنند - یک دور دنیا است - مسیر آبی را بگذرانند و نزدیک هشت ماه روی آب بمانند، دقیقاً ۲۳۲ روز؛ اینها کارهای بزرگی است. نیروهای دریایی معروف دنیا، و کسانی که این کار را میتوانند انجام بدهند و انجام میدهند، معدودند؛ شما انجام دادید؛ سه اقیانوس را درنوردیدید و سرافراز به میهن برگشتید. آنچه شما کردید، یک کار خیلی پرمعنایی است، به آسانی نمیشود این را به چشم یک حادثه‌ی دریانوردی یا نظامی نگاه کرد؛ این کار شما عمق دارد. من یک اشاره‌ای به این عمق میخواهم بکنم.

اولاً این حرکت بزرگ حاکی است که در میان نیروهای نظامی ما، هم همت بلند هست، هم قدرت اراده هست، هم اعتماد به نفس هست؛ اینها خیلی [مهمند]. سه عامل مهم: همت گماشتن و اراده‌ی راسخ را پشت کار قرار دادن و بعد اعتماد به نفس، یعنی همان «ما میتوانیم»؛ این یک طرف قضیه است؛ یک طرف دیگر قضیه، دانش نظامی است، قدرت طراحی است. این طور عملیات، یک بخش بسیار مهمش طراحی است؛ اینکه بتواند یک مجموعه‌ای یک طراحی این جوری بکند، این خیلی مهم است. و بعد دانش نظامی؛ بعد یک ضلع دیگر: شجاعت، استقامت، قدرت تحمل سختی‌ها.

ما حالا [به سادگی] میگوییم هشت ماه روی آب؛ کسانی که دو روز، سه روز، روی آب رفته‌اند میفهمند هشت ماه روی آب یعنی چه! این سختی‌ها را تحمل کردن چیز خیلی مهمی است. ببینید، کار شما حاکی از این حقایق است؛ این حقایق هر یک دانه‌اش درخور اهتمام است؛ یعنی خود اینکه مثلاً فرض کنید یک مجموعه‌ی نظامی بتواند قدرت طراحی یک چنین کاری را، عملیاتی را به دست بیاورد، یک چیز مهمی است. خودباوری و اعتماد به نفس یک چیز مهمی است و از این قبیل.

مدیریت کارآمد هم که همراه با مهارت است، نکته‌ی دیگری است. مدیریت توانا و کارآمد و ماهر هم خیلی مهم است. این در مجموعه‌ی خط مقدم عملیات. پشت صحنه، تشکیل همین قرارگاه راهبردی که من اشاره کردم و ارتباط مستمر فرمانده نیرو و مسئولین ارتش با مجموعه‌ای که در دریاها دارند حرکت میکنند، این هم یک بخش خیلی مهم از قضیه است. آن طوری که در گزارشها بود - من حالا یادداشت نکردم - به نظر من مثلاً فرض کنید که حدود هشتاد جلسه در این چند ماه در آن قرارگاه تشکیل شده؛ اینها همه درخور تحسین است و کارهای مهمی است. این یک بخش از اهمیّت کار شما است [و همان طور] که حالا بعد خواهم گفت، این کار باید تبیین بشود؛ تبیینش هم راه دارد که من اشاره خواهم کرد.

یک مسئله‌ی دیگر نقش خانواده‌ها است. حالا این خانم محترم چند کلمه‌ای را گفتند، [ولی] بیش از اینها است. این دل‌نگرانی‌ها [چیز کمی نیست]؛ عزیز شما روی آب، در دریا، هشت ماه! نگرانی، دلهره، دلواپسی، دلتنگی، جواب بچه‌ها را دادن؛ پدرها و مادرها یک جور، همسرها یک جور؛ اینها صبر کردند، تحمل کردند، احساس افتخار کردند. وقتی که ناوگروه آمدند، به ساحل ما رسیدند و وارد شدند، من فیلم تصویر خانواده‌ها را دیدم. آدم احساس میکند که خانمها، همسران، پدرها، مادرها از اینکه جوانشان این کار بزرگ را انجام داده احساس افتخار میکنند؛ این احساس افتخار خیلی مهم است. این احساس افتخار است که انگیزه میدهد، هم به خود شما، هم به دیگران، که این کارهای بزرگ را انجام بدهند. اگر خانواده‌ها نق میزدند، اظهار ناراحتی میکردند، اظهار نارضایتی میکردند، همان [کسی] هم که رفته بود پشیمان میشد. بحمدالله خانواده‌هایتان امتحان خوبی دادند، صبر خوبی کردند، احساس افتخار کردند، این افتخار را نشان دادند.



من لازم میدانم همین جا یاد کنم و تعظیم کنم در مقابل خانواده‌های شهیدان عزیز. بحمدالله عزیزان شما خانواده‌ها برگشتند، آنها را در آغوش گرفتید، آنها را دیدید؛ خانواده‌های شهدا جای خالی عزیزانشان پُر نشد؛ هر چه داریم، از این گذشتها داریم؛ هر چه داریم، از این بزرگ‌منشی‌ها داریم؛ همه مرهونیم. من هر بار در ملاقات خانواده‌ی شهدا میگویم خدا سایه‌ی شما را از سر ملت ایران کم نکند.

چند نکته را در باب این اقدام بزرگ نیروی دریایی عرض میکنم. نکته‌ی اول این است که این کار شما مصداق آیه‌ی شریفه‌ی «وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ» (۴) بود. قرآن صریحاً، یعنی بدون تأویل، دستور داده که «واعِدُوا لَهُمْ»، در مقابل دشمنان آماده‌سازی کنید؛ «مَا اسْتَطَعْتُمْ»، هر چه میتوانید. ببینید، این قرآن است. این دیگر یک احتمال دینی، [یک] روایت ضعیف نیست، صریح قرآن است. «وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ»؛ هر چه میتوانید باید آمادگی‌ها را افزایش بدهید. این کار شما مصداق این آیه‌ی شریفه بود؛ آمادگی‌ها را افزایش دادید، توانایی‌ها را به رخ کشیدید. این اقدام شما، اگرچه محصول تلاشهایی بود که قبل از شما انجام شده بود، اما خود این یک قاعده‌ای شد، یک زمینه‌ای شد برای کارهای بزرگ‌تری که بعد از این انجام خواهد گرفت؛ این [طور] است. این اعداد (۵) را شما انجام دادید. بنابراین این نکته‌ی اول که حرکت ناگروه ۸۶ مصداق آیه‌ی «وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ» بود.

این کار شما اعتماد به نفس نیروهای ما را ارتقا داد، سطح توانایی‌های نظامی ما را بالا برد، «ما میتوانیم» را که بن‌مایه‌ی پیشرفت است – پیشرفت متکی به اعتقاد به «ما میتوانیم» است – در ذهنها تقویت کرد. دشمن هم وقتی که این را میبیند، مجبور میشود دست و پایش را جمع کند؛ به طور طبیعی این جور است. در همین آیه هم دارد: تَرْهَبُونَ بِعَدُوِّ اللَّهِ؛ شما آماده‌سازی‌تان را زیاد کنید تا دشمن احساس کند که شما آماده‌اید. یکی از چیزهایی که دشمنان را تشویق میکند به تهاجم و حمله، این است که احساس کنند طرف منفعل است، دچار ضعف است، دچار تردید است؛ این، دشمن را تشویق میکند به اقدام؛ [اما] وقتی دیدند نه، شماها بیدارید، آماده‌اید، توانایی‌د، دانایی‌د، طبعاً حساب خودشان را میکنند.

نکته‌ی بعدی این است که این کار شما یک تجربه‌های ارزشمندی را در عرصه‌ی دریانوردی به نیروی دریایی و به نیروهای نظامی تقدیم کرد؛ یعنی یک تجربه‌های جدیدی به وجود آمد: عبور از عرض اقیانوس آرام؛ این کار تا حالا برای دریانوردی ما اتفاق نیفتاده بود. گذر از تنگه‌ها و آبراه‌های دشوار؛ که یک اشاره‌ای کردند. گذر از بعضی از این تنگه‌ها، کار دشوار و فنی و محتاج مهارت است؛ این کار را شماها انجام دادید؛ بدون حادثه توانستید از این تنگه‌ها و راه‌های دشوار عبور کنید. مواجهه با عوارض دریایی در راه‌های دور؛ آنجایی که هزاران کیلومتر با خانه‌ی خودتان فاصله دارید، مسائل گوناگونی برایتان پیش آمد، مواجهه پیدا کردید و مقابله کردید. تجربه‌ی خودکفایی در سوخت، در برق، در امکانات بهداشتی و درمانی؛ یعنی شما در این سفر پُرماجرا، توانستید هم در سوخت خودکفا باشید، هم در برق و انرژی خودکفا باشید، هم در سلامت – چه بهداشت، چه درمان – خودکفا باشید، عمل جراحی بکنید؛ اینها تجربه‌های خیلی ارزشمندی است. در ارتباط با مرکز هم توانستید تجربه‌های جدیدی را به دست بیاورید. آنچه اتفاق افتاد، خود این ارتباط، یک نقطه‌ی خیلی مهمی است؛ توانایی ارتباط‌گیری. این تجربه‌های شما بود؛ اینها ذخیره‌های علمی است؛ این چیزهایی که عرض کردم، این دستاوردها، همه ذخیره‌های علمی است و در دانشگاه‌ها باید تدریس بشود؛ در دانشگاه‌های نیروی دریایی و مربوط به این کار، این چیزها میتواند به عنوان ماده‌ی درسی مطرح بشود.

نکته‌ی دیگری که در این کار شما وجود دارد این است که این اقدام شما توانست وجهه‌ی بین‌المللی ایران را بالا



ببرد و ارتقاء ببخشد. من می‌خواهم این را بگویم: ارزش سیاسی کار شما از ارزش نظامی‌اش کمتر نبود، اگر نگوییم بیشتر هم بود. نقس اینکه شما توانستید یک حرکت بزرگ این‌چنینی را روی دریا انجام بدهید، [اینکه] ایران این قدر نیرو داشت، این قدر جوان، این قدر توانایی علمی، این قدر مهارت که توانست این کار بزرگ را انجام بدهد، این برای کشور وجهه‌ی بین‌المللی ایجاد کرد.

نکته‌ی بعدی این است که این دریانوردی شما چند تا درس داشت؛ درس‌هایی داشت که این درسها قابل توجه است. درس اولش درس خدانشناسی بود. دریا یکی از نشانه‌های بارز وجود خداوند است. در دعا می‌خوانیم «یا مَنْ فی الیحار عَجَائِبُهُ»؛ (۶) دریا مرکز عجایب و شگفتی‌های آفرینش است. عظمت دریا، بی‌کرانگی اقیانوسها، زیبایی‌های مناظر گوناگون دریا، در یک جاهایی خشم دریا، لطف دریا، موجودات دریایی شگفت‌آور، اینها همه آیات الهی است، اینها همه نشانه‌های خدا است. دریا در واقع یک نمایشگاهی است از آیات پروردگار. پس اولین درس این دریانوردی خدانشناسی است؛ اعتقاد آدم به خدا تقویت میشود، آیات الهی را به چشم می‌بیند.

درس دوم درس انقلاب است. این دریانوردی ارزش و اهمیت انقلاب اسلامی ایران را برای خود ما، برای شما، برای هر کسی که از ماجرای شما مطلع بشود روشن کرد؛ چرا؟ چون این دانایی، این توانایی، این اعتماد به نقس را انقلاب به ما داد؛ این همت را، این جسارت اقدام به یک چنین کار بزرگ را انقلاب به ما داد. قبل از انقلاب این خبرها نبود؛ در دوره‌ی ننگین پهلوی‌ها و قاجاری‌ها، ما با این همه ساحل دریایی، با این همه امکانات دریایی، دریا را نمی‌شناختیم، بلد نبودیم، نیروی دریایی ما هم سرش به کارهای دیگری گرم بود. خوشبختانه شماها آن روزها را درک نکردید. در میان آنها، کسانی که مردمان باانصاف و پاک‌طینتی بودند، برای ما شرح میدادند که در نیروی دریایی آن روز چه خبر بود. خبری از این کارهای بزرگ وجود نداشت. این کار را انقلاب اهدا کرد، تقدیم کرد به نیروهای ما که توانستند این کار را بکنند. پس درس بعدی، درس انقلاب بود. انقلاب دریا را از تعطیلی درآورد، دریانوردی را از فراموشی خارج کرد.

درس بعدی این حرکت شما حضور امنیت‌ساز بود. این حضور شما در مناطق دوردست، در اقصی نقاط اقیانوس آرام و اقیانوس اطلس، کمک به امنیت کشور بود. شما نشان دادید که دریا مال همه است، دریاهای آزاد مخصوص کسی نیست. این ابرقدرت‌ها اگر بتوانند، اقیانوسها را هم به اسم خودشان سند می‌زنند تا دست دیگران کوتاه بشود. ویژه‌خواری در مسائل عمومی مربوط به بشریت، جزو خصوصیات ابرقدرت‌ها است، جزو خصوصیات آمریکا است؛ شما این را نقض کردید. اگرچه در همین سفر هم البته علیه شما اقدامات خصمانه‌ای انجام دادند، کارهایی کردند برای اینکه حرکت شما را نیمه‌کاره بگذارند یا خراب کنند؛ [اما] شما بر آنها چیره شدید؛ شما ثابت کردید که دریاهای آزاد متعلق به همه است. یکی از نتایج روشن کار شما این بود که نشان دادید دریای آزاد متعلق به همه است. [اینکه] «ما اجازه نمیدهیم فلان کشتی‌ها از فلان تنگه‌ها عبور کنند» غلط زیادی است؛ چرا؟ دریای آزاد مال همه است؛ باید همه عبور کنند؛ باید همه بتوانند بروند و بیایند. دریا و هوا باید برای همه‌ی ملتها آزاد باشد. امنیت کشتیرانی و حمل و نقل دریایی باید برای همه‌ی کشورها تأمین بشود. امروز آمریکایی‌ها به نفتکشها تعرض میکنند، به باندهای قاچاق دریایی کمک میکنند؛ این تخلف بزرگ آنها است؛ در منطقه‌ی ما این کار انجام می‌گیرد؛ در جاهای دیگر هم کم و بیش اطلاع داریم که انجام میدهند. اینها نقض یک قانون بشری بین‌المللی غیر قابل اغماض است. شما عملاً این قانون امنیت همگانی دریا برای همه را اجرا کردید. این هم درس دیگر.



خب، از همه‌ی این درس‌هایی که گفتیم و آنچه راجع به این حرکت شما عرض کردیم، باید یک نتیجه گرفت و آن اینکه همه بدانیم موفقیت‌های بشر، کمالات بزرگ، پیشرفت‌های گوناگون، امیدهای برآورده شده، همه از بطن تلاشها زاییده میشود، از بطن سختی‌ها به وجود می‌آید. با راحت‌طلبی و نشستن یک گوشه و تماشا کردن و حسرت خوردن و آه کشیدن و احیاناً نِق زدن، کاری پیش نمی‌رود. باید سختی را تحمل کرد، باید تلاش کرد، باید کار کرد تا به موفقیت رسید. اینکه آدم به قله‌ی یک کوه که یک عده‌ای آن بالا رفته‌اند، نگاه کند، بگوید ما هم می‌خواهیم آنجا باشیم، کافی نیست. اگر می‌خواهید به آنجا برسید، باید رنج حرکت از این مسیر را بر خودتان هموار کنید؛ و آلا به آنجا نرسید. این را شما نشان دادید و این درس مهمی است.

خب، حالا دو نکته‌ی کوتاه دیگر در آخر مطالبم عرض میکنم. یک نکته اینک داستان این سفر هشت‌ماهه‌ی شما میتواند بن‌مایه‌ی یک کار خوب تلویزیونی و سینمایی بشود؛ هنرمندها به میدان بیایند. قضایای اتفاق افتاده‌ی برای شما در این مدت چیزی نیست که در یک گزارش چندصفحه‌ای یا در سخنرانی چند دقیقه‌ای بگنجد. هر جزئی از حوادث شما - شما ۳۵۰ نفر آدم بودید - هر کدام احساسی داشتید، کاری داشتید، فکری داشتید، حرکتی انجام دادید، خوشی‌ها و ناخوشی‌هایی وجود داشته، همه‌ی اینها در مجموع، یک داستان بلند و آموزنده و پرمعنا است. برای اینکه این کار معرفی بشود، میتواند در یک قالب هنری، در یک قالب سینمایی، تلویزیونی ارائه بشود؛ اینجا دیگر کار هنرمندها است که این کار را انجام بدهند.

نکته‌ی آخر که این دیگر مربوط به مسئولین کشور است، توجه به دریا است. ما به دریا همچنان توجه لازم را نداریم. امروز نود درصد تجارت دنیا از طریق دریا انجام میگردد. حمل و نقل دریایی، مهم‌ترین بخش حمل و نقل بین‌المللی است. ما هم از کشورهایی هستیم که خوشبختانه چند هزار کیلومتر مرز دریایی داریم؛ آن هم دریاهای متنوع. در شمال کشور دریا داریم، در جنوب کشور دریا داریم، اقیانوس داریم؛ باید خیلی استفاده کنیم، از دریا باید خیلی استفاده کرد. مسئولین محترم بخشهای مربوط باید بنشینند روی این مسئله فکر کنند، برنامه‌ریزی کنند، طراحی کنند. البته چندی است که یک حرکتی برای این کار آغاز شده اما باید وسیع‌تر حرکت کرد؛ ما از دریا باید خیلی استفاده کنیم.

کشورهایی هستند که محصور در خشکی‌اند؛ در واقع گاهی یک کشور بین چند کشور دیگر زندانی است و هر جا بخواهد برود باید از این کشورها اجازه‌ی عبور بگیرد؛ دریا ندارند. زمان ریاست جمهوری من، در یکی از مجامع بین‌المللی، رئیس یک کشوری خواست با ما ملاقات کند، آمد پهلوی من نشست؛ جزو اولین سؤالهایش این بود که شما دریا دارید؟ گفتم بله، خوبش را هم داریم، الحمدلله زیاد هم داریم. گفت خوش به حالتان! ما دریا نداریم؛ مشکلتش این بود. جزو اولین مسائلی که مطرح کرد، مسئله‌ی دریا نداشتن و دریا داشتن بود؛ واقعه‌ش هم همین است. از دریا بایستی استفاده کرد؛ ما [باید] از مرزهای دریایی متنوع و طولانی‌مان استفاده کنیم و برای منافع ملی روی این مسئله کار کنیم.

امسال به برکت توجهات حضرت بقیة‌الله (ارواحنا فداه) محرم پُرشوری بود. دشمنها سعی کردند، تلاش کردند که محرم را بی‌رونق کنند، [اما] درست نقطه‌ی مقابل آنچه آنها می‌خواستند اتفاق افتاد. دهه‌ی عاشورای امسال از دهه‌های عاشورای سالهای قبل پُرشورتر، پُرحرکت‌تر، پُرونق‌تر و پُرفایده‌تر بود. کار خدا این‌جوری است؛ کاری که برای خدا انجام بگیرد و در خط اهداف الهی باشد، خدای متعال به آن کمک میکند.



امیدواریم ان شاء الله همیشه شماها موفق باشید، سربلند باشید. شماها به معنای واقعی کلمه فرزندان من هستید؛ دعایتان میکنم و امیدوارم ان شاء الله در همه‌ی حوادث زندگی، در همه‌ی امتحانهای بزرگ زندگی، مثل این امتحان، موفق و مؤید باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

۱) در ابتدای این دیدار، امیردربدار شهرام ایرانی (فرمانده نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران)، دریادار دوّم فرهاد فتاحی (فرمانده ناوگروه ۸۶ نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران) و همسر یکی از کارکنان ناوگروه مطالبی بیان کردند.

۲) ناوگروه ۸۶ نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، در تاریخ نهم مهر ۱۴۰۱ سفر خود را آغاز کرد و پس از طی مسافت ۶۵ هزار کیلومتر در گردش به دُور کره‌ی زمین، در سی‌ام اردیبهشت ۱۴۰۲ در بندرعبّاس پهلو گرفت.

۳) ناوچه‌ی پیکان در هفتم آذر ۱۳۵۹ در عملیّاتی موسوم به «عملیّات مروارید» خسارت قابل توجّهی به تجهیزات دریایی و نیروی دریایی عراق وارد کرد و در نهایت مورد اصابت قرار گرفت و سرنشینانش به شهادت رسیدند.

۴) سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۶۰

۵) آماده کردن، مهیّا ساختن

۶) زادالمعاد، ص ۴۳۷ (دعای جوشن کبیر)